

متن* مصاحبه تلفنی آقای مروتی از رادیو ۲۴ ساعته ایرانیان

در لوس آنجلس با آقای دکتر ابراهیم یزدی (۷۵/۱۲/۱۸)

س- جناب دکتر، اگر ما می‌توانیم بگوییم که قبل از انقلاب، در زمان شاه، احزاب ممنوع بودند و برای سالهای طولانی مجلس و مردم نقشی در اداره امور مملکت نداشتند، می‌توانیم بگوییم که یکی از خواسته‌های عمده انقلاب به اصطلاح آزادی احزاب سیاسی بود.

ج- بله، یکی از عناصر اصلی آرمان‌های انقلاب ۲۲ بهمن آزادی و حاکمیت ملت و بخش تفکیک‌ناپذیر این خواست مردم آزادی فعالیت احزاب سیاسی بود.

با این که این مسئله در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم قید شده و آزادی احزاب تضمین شده است ولی ما می‌بینیم که برای سالهای طولانی است که در جمهوری اسلامی ایران احزاب فعالیت ندارند. چرا؟ یعنی چطور شده که حتی قانون اساسی نقض شود؟

خوب، این مسئله ریشه‌داری است در ساختار اجتماعی ما و تفکراتی که بعد از انقلاب حاکم شده، که آن را با قانون نمی‌توان حل کرد. تا زمانی که حکمرانان و حاکمان عمیقاً به مردم‌سالاری و حقوق ملت معتقد نباشند و شرایط مساعد و مناسب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به وجود نیامده باشد، به صرف تصویب قانون کاری صورت نمی‌گیرد. تحت شرایط ویژه بعد از انقلاب، قانون اساسی و این حقوقی که متعلق به ملت است و تصریح شده است تصویب گردید. ولی میان تصویب یک قانون تا اجرای آن فاصله زیادی هست. هنوز هم این حقوقی که در فصل سوم قانون اساسی برای ملت ایران به رسمیت شناخته شده و ثمره انقلاب است هیچ کدام، از جمله قانون احزاب، به اجرا درنیامده است.

ولی شما فکر نمی‌کنید کسانی که حزب تشکیل داده‌اند یا می‌خواهند تشکیل دهند با استناد به مواد قانون اساسی می‌توانند کسانی را به استنطاق بکشند؟ کسانی باید بگویند که این حکمان است و آن کسانی که مانع تشکیل احزاب سیاسی می‌شوند باید جواب پس بدهند.

کاملاً صحیح است و این سیاستی است که نهضت آزادی ایران تعقیب می‌کند. با اتکاء و استناد به قانون اساسی، این حقوق را مطالبه می‌کنیم. این سیاستی است که ما داریم، علی‌رغم این که آنها می‌گویند نهضت آزادی ایران غیرقانونی است، چون حرفشان خلاف قانون اساسی است، ما همچنان ایستاده‌ایم و می‌گوییم خیر، سخنان شما خلاف قانون است و فعالیت نهضت آزادی و کلیه احزاب سیاسی ایران علی‌الاصول طبق قانون اساسی ایران آزاد است. اما این دو جهت دارد: یک جهت خود احزاب هستند و یک جهت حاکمیت. احزاب سیاسی هم می‌بایستی علی‌رغم این محدودیتها وارد میدان شوند و حق خودشان را مطالبه کنند تا اگر خدا خواست، با کمک مردم بتوانیم این حقوق را تأمین کنیم.

به نظر شما طی این دورانی که احزاب سیاسی امکان فعالیت نداشته‌اند، به خاطر این نبود احزاب سیاسی در میدان چه لطماتی به ایران وارد شده است، چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی؟

* متن ویرایش شده.

بینید، اصولاً ما نمی‌توانیم یک نظام دمکراتیک، نظام پارلمان و مجلس داشته باشیم بدون این که احزاب سیاسی به معنای صحیح حضور پیدا کنند و فعال باشند، چون این احزاب سیاسی هستند که کادرها، شخصیت‌ها و افراد را در درون خود، در سطوح مختلف، تربیت می‌کنند، آموزش می‌دهند و آماده می‌کنند و بعد این‌ها که به مجلس می‌روند معرف یا مدافع یک برنامه‌های حساب شده و تنظیم شده هستند. در حالی که الان به دلیل فقدان احزاب، مجلس ایران با بن‌بست روبرو است، بن‌بستی که خود آقایان هم به آن اعتراف می‌کنند. برای این که یک نماینده که از ناکجاآباد آمده است با یک تمهید مقدمات، با زدوبند و با دیدن این و آن به مجلس می‌رود ولی هنگامی که مسائل اساسی مملکت مثل بودجه و سایر برنامه‌هایی که مطرح می‌شود، این نماینده منفرد قادر نیست که به اظهارنظرهای منطقی بپردازد. به همین دلیل شما می‌بینید که سطح مجلس بسیار نازل و پایین است. احزاب سیاسی وقتی در انتخابات شرکت می‌کنند و نمایندگان با وابستگی حزبی به مجلس می‌روند، معنایش این است که آن حزب در برابر نماینده‌ای که معرفی کرده متعهد است و اگر نماینده‌ای از حزب به مجلس می‌رود، در مسائل کلان مملکت آن نماینده به تنهایی نیست که اظهارنظر می‌کند، بلکه یک سازمان سیاسی با گروه‌های متعدد و متخصصی که دارد و مطالعات کارشناسانه‌ای که انجام می‌دهد، به آن نماینده مدد می‌رساند و کمک می‌کند. بنابراین، تصمیمات و مذاکرات و مباحثات مجلس معنادار خواهد بود و به نفع مملکت جهت پیدا خواهد کرد. ضرری که به دلیل ممانعت از احزاب سیاسی در ایران به وجود آمده است نه تنها به قوه مقننه بلکه به دلیل این که مجلس نتوانسته است نقش خودش را خوب انجام دهد به اقتصاد مملکت لطمه زده است. ما می‌بینیم که مجلس دائماً در مسائل کلان کشور مواضع ناسخ و منسوخ اتخاذ کرده است که ضررش به مملکت است و تا زمانی که احزاب آزاد نشوند، ما نمی‌توانیم این مسائل را به نحو مطلوب حل کنیم.

بسیار خوب، حالا من دو سؤال دیگر دارم، در رابطه با موضوع دیگری که یکی از همکارانم در برنامه دیگری درست می‌کند. یکی از آنها این است که به نظر شما، با توجه به این که بر اساس ساختار نظام حکومتی که نظام اسلامی است و براساس آن تمام تکیه بر اجرای قوانین اسلامی و حکومت خداست آیا مردم اصولاً در چنین نظامی می‌توانند نقشی که باید داشته باشند؟

عرض کنم که این بستگی دارد به برداشت‌هایی که افراد مختلف از مقولات و مفاهیم دارند. تا آنجایی که مربوط به نهضت آزادی ایران است، ما هیچ نوع تعارضی میان مردم‌سالاری و دین نمی‌بینیم. اساس دین اسلام بر آزادی انسان است، آزادی انسان و حقتش در انتخاب سرنوشت خود. بنابراین، ما هیچ تعارضی را به هیچ وجه نمی‌بینیم. اساس حکومت بایستی در دست خود مردم باشد.

با توجه به این که نمایندگانی که وارد مجلس اسلامی می‌شوند اصولاً باید از صافی‌های مختلفی بگذرند که مهمترین این صافی‌ها شورای نگهبان است، آیا این نمایندگانی که از هفت‌خوان بایستی بگذرند و وارد مجلس شوند آیا آن مجلس واقعاً آن قدرت را دارد و آن انتخابات را می‌شود گفت آزاد است؟ و آن مجلس را می‌شود گفت که یک مجلس واقعی شورا است؟

خیر، نمی‌شود گفت. برای این که این صافی‌ها همه‌اش خلاف قانون است. تشخیص صلاحیت نمایندگان با مردمی است که می‌خواهند آنها را به عنوان نماینده و وکیل خود انتخاب کنند. بر طبق قانون شرایطی پیش‌بینی شده است، نظیر محدودیت سنی و فقدان پیشینه کیفری. این‌ها را می‌شود بررسی کرد. ولی این

که کسی صلاحیت دارد که به مجلس برود یا نه، با خود مردم است و این مواعی که ایجاد شده هیچ کدام قانونی نیست و برخلاف قانون اساسی است.

خیلی متشکرم جناب آقای دکتر یزدی، و ببخشید که وقت جمعه شما را گرفتم. لطفاً با همکارم صحبت کنید.

آقای دکتر یزدی: خواهش می‌کنم خداحافظ شما.

همان طور که پیش از ظهر هم خدمتان گفتم، قرار است که ما چند تا برنامه درست کنیم درباره

انتخابات و یکی از برنامه‌ها اختصاص دارد به احزاب و گروه‌های به اصطلاح خارج از نظام

یعنی آنهایی که داخل تشکیلات دولتی نیستند، از جمله با خود جنابعالی. سؤالات من عبارتند

از این که:

چطور شد که شما در این انتخابات تصمیم گرفتید که نماینده‌ای در مجلس پنجم اعلام کنید و چطور شد که

تصمیم به شرکت در این انتخابات گرفتید؟

عرض کنم که ما از حدود دو سال پیش هنگامی که به بررسی و تحلیل اوضاع سیاسی کشورمان و روابطش در منطقه و جهان پرداختیم و همچنین به بررسی اوضاع و احوال داخلی خودمان از جهت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به این نتیجه رسیدیم که اوضاع کشور ما دوران بسیار حساسی را می‌گذراند و خطرات بسیار جدی حیات ملی و تمامیت ارضی ما را مورد تهدید قرار داده است. در چنین شرایطی، ما احساس کردیم که نمی‌توانیم مثل گذشته با عدم شرکت در انتخابات، خودمان را کنار بکشیم، بلکه می‌بایستی وارد صحنه شویم و به استقبال خطرات کار خودمان برویم، از آبرو و حیثیت خودمان مایه بگذاریم و وارد شویم، شاید راه تازه‌ای در کشور باز شود و امکان این فراهم شود که تمام نیروهای دگراندیش و احزاب سیاسی خارج از حاکمیت هم فضایی داشته باشند که بتوانند پیرامون این خطرات به بحث و گفتگو بپردازند و در صورت لزوم، برای مقابله با آنها اقدامی صورت گیرد. این هدف اصلی و عمده‌ای بود که ما دنبال می‌کردیم. علاوه بر این، ورود در انتخابات را به عنوان یک هدف یا ابزاری برای بیرون کشیدن مردم از این بی‌تفاوتی، بی‌رغبتی و قهری که از خودشان نشان می‌دهند تلقی کردیم. به این دلیل تصمیم گرفتیم که وارد شویم.

ولی در این مرحله، آقای دکتر یزدی، تعداد زیادی از نمایندگان که شما معرفی کرده‌اید صلاحیتشان رد

شده و فقط چهار نفر، از جمله خود جنابعالی، در حال حاضر در این فهرست باقی مانده‌اید، واکنش شما در این

مرحله چیست؟

واکنش ما در مرحله اول این است که گویی حاکمیت ما از مسائلی که الان می‌گذرد یا بی‌اطلاع است یا نمی‌تواند یا نمی‌خواهد نسبت به آنها حساسیت لازم را نشان بدهد. متأسفانه ما این احساس را داریم که وخامت اوضاع را به آن صورتی که ما می‌بینیم، مصادر امور و صاحبان قدرت نمی‌بینند. بنابراین، شیوه عملکرد حاکمیت در این انتخابات اگر بدتر از انتخابات گذشته نبوده باشد بهتر هم نیست و بیش از نیمی از کسانی را که برای کاندیداتوری ثبت نام کرده‌اند، رد کرده‌اند، نه تنها رد کرده‌اند بلکه هیچ‌گونه دلیل قانونی هم عرضه نکرده‌اند. به هیچ یک از کاندیداهایی که مردود شده‌اند ابلاغ نکرده و اطلاع ندادند، نه شفاهی و نه کتبی، که به چه دلیل آنها را رد کرده‌اند. علاوه بر این، مطالعه بر روی شخصیت‌هایی که مردود شده و آنهایی که پذیرفته شده‌اند نشان می‌دهد که معیارهای قانونی رعایت نشده‌اند.

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

۷۶/۳/۵